



القاء جدایی معنویت از دین توسط عرفانهای نوظهور/ اگر نیاز به معنویت اشباع نشود مردم به سراغ دیگران می روند

حجت الاسلام عابدی با تشریح ویژگی های مشترک عرفانهای نوظهور، بر ضرورت پاسخگویی به نیاز معنوی مردم برای جلوگیری از گرایش به این نوع عرفانها، تأکید کرد ...

حجت الاسلام عابدی با تشریح ویژگی های مشترک عرفانهای نوظهور، بر ضرورت پاسخگویی به نیاز معنوی مردم برای جلوگیری از گرایش به این نوع عرفانها، تأکید کرد و گفت: اگر این نیاز به معنویت اشباع نشود مردم می روند سراغ این چیزها، ما آن جنبه های مثبت را نگفتیم، مردم می روند سراغ جنبه های منفی. ما طلبه ها این صحنه را خالی کرده ایم، عرفانهای نوظهور دارند این صحنه را پر می کنند.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد عابدی رئیس دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم درباره مشترکات عرفانهای نوظهور گفت: اولاً یک قدر مشترک در همه این عرفانهای نوظهور است و آن قدر مشترک این است که اینها می خواهند معنویت را از دین جدا کنند، یعنی می خواهند بگویند می شود انسان معنویت داشته باشد و دین نداشته باشد، این هدف عمده تمام این عرفانهای نوظهور است. عرفان بدون دین، معنویت بدون دین، ذکر خدا بدون دین و امثال این مسائل.

یک نوع تفکر لیبرالیستی در تمام این عرفانها وجود دارد

وی افزود: یک مسئله مشترک همه آنها این است که یک نوع تفکر لیبرالیستی در تمام این عرفانها وجود دارد، قبلاً عرض کردم مثلاً دالای لاما به اسرائیل چند بار سفر کرده است، سخنرانی های سیاسی هم کرده است، اما در عرفانش دم از سیاست نمی زند یعنی اینها همیشه عرفانشان به این معنا است که جدایی دین از سیاست، جدایی دین از حکومت، جدا دین از اخلاق، جدایی دین از قانون، جدایی دین از علم، این تفکر لیبرالی، در تمام این چیزها لیبرال است.

این استاد فلسفه و عرفان اسلامی تصریح کرد: ویژگی سوم تمام این عرفانها این است که با شهوت جنسی یا مثلاً تحریک به گناه، مخالفتی ندارند، گرچه از این جهت باهم متفاوتند، بعضی از آنها می گویند سراغ گناهان جنسی نروید، بعضی هایشان این را می گویند ولی همانهایی که این ادعا را دارند برای رهبران خودشان این را مجاز می شمارد. برای پیروان این را ممنوع می کند، مثلاً در صوفیه یا دراویش هم تقریباً، تحقیقاً نه، تقریباً اینطوری است یعنی برای قطب حرام نمی داند ولی برای پیرو این کارها را حرام می داند، از این جهت اینها باهم متفاوتند اما در اصل که در مواردی وقتی می گویند لذت، مرادشان لذت جنسی است و شهوت را مجاز می شمرد در بعضی از این موارد تقریباً مشترکند.

عرفان از تکلیف و دستور شرع جدا نیست

وی با بیان اینکه در عرفان اسلامی، بحث عدم جدایی دین از معنویت را داریم، افزود: در عرفان اسلامی یک وقت اینطور چیزی پذیرفته نیست که کسی عارف بشود و تکلیف نداشته باشد، اینطور چیزی نداریم، در صوفیه و دراویش داریم ولی در عرفان اسلامی اینطور چیزی نداریم، در عرفان اسلامی اینطور داریم که شاگردها دنبال استادی داشتند، می رفتند، استاد در خیابان آب دهانی انداخت بر زمین، شاگردان برگشتند، گفتند اگر این استاد عرفان بود چنین کاری نمی کرد، یعنی حتی یک آب دهان که در خیابان انداخت این را خلاف عرفان می دانستند، یا مثلاً آن داستان شیخ صنعان، شاید کتاب مستقل درباره این شیخ صنعان خیلی است:

"دوش از مسجد سوی میخانه آمد شیخ ما، چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما". مثلاً در داستان شیخ صنعان این است که شیخ یک گناه کرد چهارصد شاگرد داشت که پهلوی عرفان می خواندند همه برگشتند، یعنی در عرفان اسلامی اینطور است، یعنی نمی شود عرفان باشد و جواب سلام کسی را ندهد، یا به یکی بی احترامی کند و امثال این حرفها. پس اولاً در عرفان اسلامی، عرفان از تکلیف و دستور شرع جدا نیست، یعنی حتماً آدم باید مقید باشد به ضوابط شرع.

عابدی بر وفور کلمات مبهم، دوپهلو و متناقض در عرفانهای نوظهور تأکید کرد و گفت: این باعث می شود که یک عده ای جذب اینها بشوند چون وقتی دو پهلو حرف زدید هرکسی کلامی را می گیرد و می گوید باید فکر کنم ببینم، چه عمقی داشت، یا مرادش چه بوده و یا از این حرفها. در عرفان اسلامی هم کلمات متناقض و متضاد هم داریم اما تفاوت این است که یک چیزهایی عقل ستیز اند، یک چیزهایی عقل گریزانند، یک چیزی عقلی نیست، چون ضد عقل است و خرافه است، یک چیزی عقلی نیست، چون عقل به او نمی رسد، آن که در عرفانهای نوظهور است، در عرفانهای نوظهور ضدیت با عقل است، یعنی تناقضی که می گوید محال است عمل می کند، آنکه در عرفان اسلامی است، ضد عقل نیست، چیزی است که عقل می گوید من این حرفها را نمی فهمم. یعنی این تفاوت عمده است بین این عرفانی که ما می گوئیم و عرفانی که آنها می گویند.

تمسک به مشترکات ادیان از دیگر ویژگی های عرفانهای نوظهور

وی تمسک به مشترکات ادیان را از دیگر ویژگی های عرفانهای نوظهور برشمرد و گفت: الان مثلاً توی سایبایا، یا مثلاً در اکنکار، یا حتی در معبد بهایی ها، در معبد بهایی ها که بروید اول صبح یک مقدار تورات را می خوانند، یک مقدار انجیل را می خوانند و یک مقدار قرآن را می خوانند و یک مقدار اوپانشاد و ریگ ودا می خوانند و یک مقدار هم اقدس و بیان می خوانند، یعنی می آیند مشترکات ادیان را می گیرند، مثلاً در همین سایبایا روز عید فطر برایشان روز مقدس است، عید نوروز هم برایشان مقدس

است، عید کریسمس مسیحی ها هم برایشان مقدس است، در اسفندماه هم یک روزی است که روز مقدس هندو هاست، روز مقدس هندوها هم برای اینها مقدس است، مشترکاتی را مثلاً اعیاد هر دین یا روز مقدس هر دین را می گیرند و انجام می دهند و افراد هم جذب این چیزها می شوند، یعنی یک نوع تفکر پولورالیستی، کثرت گرایی یا اینکه انسان می تواند چند دین داشته باشد، یا آدم دو دین یا سه دین داشته باشد، یکی هم شیعه باشد و هم سنی، هم یهودی باشد و هم مسیحی، در عرفانهای نوظهور همه شان این را قبول دارند، الان مثلاً یک شخص بهایی، می گوید من بهایی هستم، شیعه دوازده امامی هم هستم، مسلمان هم هستم، هندو هم هستم، همه اش را هم قبول دارد، باز مثلاً می بینیم، مثلاً در دین سیک همین طور چیزی وجود دارد، یعنی تفکر صلح کل یا مشترکات ادیان در اینها وجود دارد.

رئیس دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم یادآور شد: این مجله «کیش مهر» هم دارد دقیقاً همین فکر را ترویج می کند که همیشه به مشترکات ادیان بپردازیم، مشترکات ادیان به این معنا که یک وقت هم زیستی مسالمت آمیز ادیان خیلی خوب است، ادیان باهم دعوا نکنند، این کارهای وهابی ها را محکوم کند (این خیلی خوب است) ولی در مجله این را نمی گوید. در این مجله بحث مشترکات ادیان به معنی اینکه هر دینی بخشی از حقانیت را دارد. اگر روی جلد این مجله را دیده باشید نوشته است که: باید این فکر را کنار گذاشت که یک دین یا یک مذهب یک روزی بخواهد بر کل دنیا حکومت کند، این فکر را باید کنار بگذاریم یعنی همین چیزی که ما راجع به امام زمان ارواحنا فدا معتقد هستیم. داخل مجله هم چند مقاله دارد در همین رابطه، که گذشته است آن روزهایی که از این حرفها زده می شد که یک دینی باید بر کل دنیا حکومت کند، این حرفها گذشته است و قدیمی شده است، این تفکر از مشترکات همه این عرفانهای نوظهور است و در عرفانهای نوظهور همین را می گویند، ما نباید این کار کنیم.

وی افزود: اگر مثلاً بهائیت را مطالعه کرده باشیم، یک بهایی می گوید دین من تا قیامت است، اما قیامتی که یک بهایی می گوید یعنی هزار سال دیگر، یعنی یک بهایی می گوید دین من هزار سال، بعد از هزار سال دین جدید می آید، این تفکر، تفکری است که در همه عرفانهای نوظهور است، یعنی دینشان غیرت ندارد، یا عرفانشان غیرت ندارد، یعنی می گوید فعلاً این عرفان اما این فقط برای اینجا خوب است و جای دیگر چیز دیگری خوب است.

در قدیم بهترین استادان کتاب حافظ، همین مراجع تقلید بودند

حجت الاسلام عابدی یادآور شد: نکته دیگر در عرفانهای نوظهور این است که هر انسانی نیاز به معنویت دارد، و اگر این نیاز به معنویت اشباع نشود مردم می روند سراغ این چیزها، الان در کشور گرایش به مسئله جن و مسئله سحر و طلسم و این چیزها متأسفانه وجود دارد، آنقدر مردم، مثلاً یکی با زنش اختلاف دارد می گوید سحر شدم، یکی با بچه اش اختلاف دارد می گوید سحر شدم. یک مقدار برای این است که ما آن جنبه های مثبت را نگفتیم، مردم می روند سراغ جنبه های منفی، بعضی ها مثل علمای قدیم، در علمای قدیم در استفتای آقای آخوند صاحب «کفایه»، استفتائات شیخ انصاری را نگاه کنید، چقدر در این استفتائات زیاد است، کسی استفتاء کرده است که این شعر حافظ را معنا کنید، استفتاء از مرجع تقلید در قدیم، در قدیم بهترین استادان کتاب حافظ، همین مراجع تقلید بودند، این کتاب «جامع الشتات» میرزای قمی را نگاه کنید چقدر زیاد دارد اینجور استفتائات، کسی استفتاء می کند می گوید این شعر مثنوی مولوی را تفسیر کنید، کسی استفتاء می کند که این شعر حافظ با فلان حدیث قابل جمع است یا نه؟ معلوم می شود که علما و مراجع در این چیزها ید طولایی داشته اند، یک چیزهایی که اکثر طلبه ها اصلاً اسمش را شنیده اند، مثلاً علم «نم و یم»، را بعید می دانم کسی از شما شنیده باشد، در قدیم علمی بوده و در حوزه ها هم می خواندند، این عرفانهای نوظهور از اینها استفاده می کنند، سایبانا را اگر نگاه کرده باشید، چند تا از پیغمبران سایبانا اینها هستند، ابوعلی سینا، شیخ اشراق، سهروردی، ملاصدرا. سایبانا اینها را بعنوان پیغمبران حساب می کنند.

عرفانهای نوظهور از خلاء طلبه ها سوء استفاده می کنند

وی در پایان تأکید کرد: مقصودم با این حرفها این است که اگر ما این کتابهای عرفانی را مطرح نکنیم، درسهای عرفان و این چیزها را نگویم این عرفانهای نوظهور از این خلاءیی که پیش می آید، سوء استفاده می کنند، عرفان دالای لاما با یک قصه شروع شده و بهتر از آن قصه، هزاران قصه اینطوری در مثنوی یا منطق الطیر عطار است، دالای لاما، فقط یک قصه است و دارد دنیا را هم می گیرد. ما مثلاً منطق الطیر کتابی بوده که همین آخوند صاحب کفایه، منطق الطیر را درس گرفته و درس هم داده است، چند نفر از علما نیز برایش شرح نوشته اند، کسانی که نه فیلسوف بودند و نه عرفان اصطلاحی. ولی به هرحال منطق الطیر خیلی کتاب مهمی است، این علمای قدیم، که این کارها را می کردند، این چیزها هم دیگر وجود نداشت، مثلاً شما شرح حال مرحوم محمد مهدی علوی را بخوانید، که شاگرد آقای آخوند است، و تقریرات درس آقای آخوند را نوشته است ایشان از کسانی بوده است که خیلی علیه بهایی ها مبارزه کرده و بهایی ها شهیدش کرده اند، درسهای این محمد مهدی علوی در مبارزه با بهائیت. یعنی کتابهای عرفانی اینقدر جاذبه دارد، اینقدر گرایش مردمی به آن زیاد است که ما (طلبه ها) این صحنه را خالی کرده ایم، عرفانهای نوظهور دارند این صحنه را پر می کنند و از خلاء ما دارند سوء استفاده می کنند.